

الباب الثالث و العشر من الواحد الخامس في بيان كتاب الوصية للاموات على ما امر في البيان.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثالث و العشر من الواحد الخامس في بيان كتاب الوصية للاموات على ما امر في البيان.

ملخص این باب آنکه هیچ فضلی من الله در حق عباد اعظم تر از این نبوده که اذن داده ایشان را بعبادت خود و تعلیم ایشان فرموده بتسبیح و تحمید و توحید و تکبیر خود را و اذن داده که در وقت موت کتاب وصیتی نوشته شود متضمن بر اقرار بوحدانیت او و عدل و این خلق و امر از برای او است و اقرار بنقطه الهیه و حروف حی او اظهار حب بمظاهر اسماء و امثال او و استیعاذ از آنچه دوست نداشته و ندارد محبوب او و آنچه که تمنا دارد از مقصود خود

و امر نماید که کتاب را رسانند "بمن یتظهره الله" که اگر مشیت او تعلق گرفت بر جواب او همان است جوابی که من الله در حق او نازل شده و حفظ آن با وراثت او است که یداً پیدا الی "من یتظهره الله" رسیده بر احسن خط و الطف حسن زیرا که طول ظهوری تا ظهوری مبین است و حفظ ما بینهما نزد کل اسهل از هر شیئی است

ولی منتهای دقت نموده که العیاذ بالله ظهور حق نشود و او محتجب ماند یا کتابی که نزد او است نرساند که این امر ظاهر است که در نزد ظهور حق هر نفسی بشیئی معتر است ولی نمیداند که مایه اغترار او از خود آن حق



ORIGINAL



AUDIO

است از ظهور قبل او که در ظهور بعد خود نسبت بخود نمیدهد از جهت علو ظهور خود مثل ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - که ظهور عیسی - علیه السلام - را مقدمه ظهور خود ذکر فرموده و خود را بآن ظهور معروف کل نفرموده

و الا شبهه نیست که اهل بیان بآنچه دین ایشان ثابت شده بکمال ما ینبغی عمل کرده و میکنند ولی یوم اخذ نتیجه محل کلام است مثل آنکه کل در حین موت ﴿لا اله الا الله﴾ میگویند و میروند و در این ظهور ظاهر بملک که بامر قبل او این کلمه را میگوید در حین موت میگوید ولی مظهر این کلمه که مدل علی الله هست در جلی بغیر حق مستور این است که کل اعمال هباء منشورا میگردد

همین قسم کل کتاب وصیت خواهید نوشت و شهادت از برای خداوند بوحدانیت خواهید داد و خواهید گفت لا اشرک بالله شیئا ولی یوم ظهور نفوس خودتان مظهر شرکی است که نفی کرده اید و ملتفت نیستید این است که یک دفعه دین خود را باطل میکنید و مشعر نمیگردید قدری ترحم بر خود نموده که عملی که میکنید از روی بصیرت باشد لعل یوم قیامت توانید نجات یافت

و بدانید که مبدأ این کتاب من الله هست ولی بما نطق به النقطة و رجوع آن الی الله هست ولی بما یرجع الی "من یظهره الله" چه بسا که مینویسید ولی بکسی که می نویسد نمی شناسید و او خود را بشما می شناساند بحقیق که دین کل بر پا است ولی حجابهای انفس خودتان مانع میگردد

مثل آنکه امروز کل اهل قرآن بامر قبل او عمل میکنند ولی از محقق امر محتجب مانده با وجودیکه حجت اوامر قبل را مشاهده مینمایند بخو اشرف ولی ملتفت نمی شوند نه این است که آنهائی هم که این کلمات را می بینند ملتفت شوند بلکه نزد خیال خود چنین گمان میکنند که اگر ظهور حق شود اقرب خلقند بسوی او ولی همین نفوس در هر ظهوری هستند که در آخر آن ظهور باعلی درجه آن دین رسیده اند ولی باز واقع میشود آنچه واقع میشود و الله بصیر بما انتم تعملون.

